

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

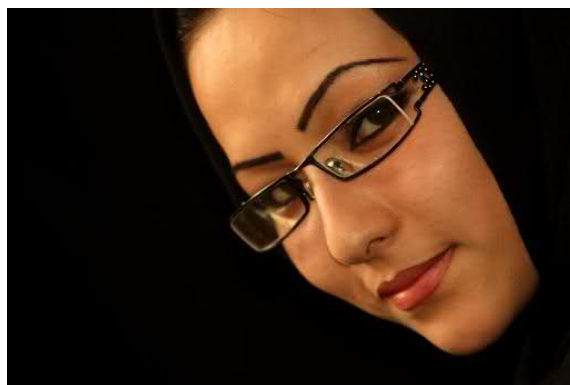
Political

سیاسی

نذیر دلسوز

۲۴ جولای ۲۰۱۶

## سخنی در مورد یک تن از نفوذی های اطلاعات ایران !



### خاستگاه یک اجنت!

سوسیال امپریالیزم شوروی بنا بر ملاحظات سیاسی- نظامی (که غرض از آن پایان دادن به دولت نشانده اش به رهبری (دیو خاد) و رویکار آوردن بدیل آن بود) مجموع نیروی های خاد داخلی را که متشکل از تبار ها ، اقوام و قبایل و ملیت های کشور می باشند ؛ به طور مخفیانه به باند های جهادی وابسته به امپریالیزم جهانی (و از جمله باند خودش ، یعنی "شورای نظار" به سرباندی احمد شاه مسعود - این وابسته به اطلاعات وزارت دفاع شوروی) انتقال داد. بخشهای پشتو زبانان را به باند های سیاف و گلبدین و حقانی و... ؛ و بخشهای متشکله خاد از ملیت هزاره را به باند وحدت مزاری و بخشهای دری زبانان (مثل پنجشیری ها و سایر دری زبانان) را به باند «شورای نظار» و باند جمعیت اسلامی ربانی و بخشهای از یک تبار آن را به دهاره رشید دوستم و... انتقال داد.

همچنان نفوذی های تربیه شده خاد را [که در مورد شناسائی طیف چپ انقلابی (شعله ئی ها) از سالها قبل اسناد و اوراق «ریاست عمومی ضبط احوالات» شاه و «مصونیت ملی» داوود خان را در دسترس داشتند و همه را با دقت مطالعه نموده بودند ، همین طور آثار کلاسیک های مارکسیزم را حافظ وار از بر کرده بودند] به نهاد ها و سازمان های چپ انقلابی گسیل داشت ؛ که در میان این نفوذی ها یک تن شان جمال الدین ولد شهاب الدین - مشهور به «جمال سیاه» - حضور داشت که سالها قبل توسط روسها به «شورای نظار» احمد شاه مسعود فرستاده شده بود. این جاسوس در درون سازمان انقلابی وطن پرستان واقعی (ساوو) نفوذ کرد و با اعضای گرفتار شده این سازمان گویا «زندانی» هم شد. وی بعد از کمتر از دو سال، زمانی که از زندان آزاد شد، طبق دستور خدایان اصلی خاد (اعضای KGB که در

قالب مشاوران نظامی در خاد حضور داشتند) عازم پاکستان شد. در آنجا یک تن از اعضای کمیته مرکزی سازمان ساوو (زنده یاد شریف محمودی) بالایش شک کرد. وی که خودش را در خطر دید، پاکستان را ترک گفته عازم ایران شد. در ایران هم با استفاده از پیوند حزب توده ایران با خاد افغانستان مورد حمایت اعضای حزب توده (که به طور مخفی و علنی برای رژیم منفور خمینی کار می کردند) قرار گرفت و به اطلاعات ایران معرفی شد.

در سرزمین آخوند خورده ایران که دولت منفورخمینی - خامنه ای و مزدوران جنایتکار و نژاد ستیزش بر خورد ماورای بربریت با افغان های پناهنده داشتند (قسمی که هزاران بار دیده، خوانده و شنیده شده این درندگان دهن خونین روز تا روز بر شدت سببیت و درنده خوئی شان علیه افغان های مظلوم می افزایشند. چنانی که در سرلوحه پارک هایشان نوشته اند: «ورود افغان ها ممنوع!») معلوم نیست کدام دستهای پر قدرت زمینه درس و تحصیل دختر جمال (صبرینا جان ثاقب) را تدارک دیده وی را تا این حد کمال رسانده اند ...؟! [۱] که این خانم موفق شده تا «سطح لیسانس زبان انگلیسی از یکی از دانشگاه (یونیورسیتی) های ایران» فارغ شود، و زمانی که به کشورش افغانستان برمی گردد به سهولت و سادگی بتواند به مثابه وکیل به اصلاح «منتخب مردم» به درون شورای دولت دست نشانده (این طویله چهارپایان امپراتور اوباما) بخزد که خزید.

دانشمند مبارز غبار در جلد دوم «افغانستان در مسیر تاریخ» (صفحه ۵۷ و ۵۸) می نویسد:

«چون تاریخ مفید با اسناد است، نه با استدلال، و هم در چنین موارد، دست یافتن به اسناد اگر ناممکن نباشد هم بسیار مشکل است» و به ادامه علاوه می کند «مثلاً یک میرزای عادی محاسب دفعتاً سفیر کبیر افغانستان در یکی از بزرگترین دول جهان می گردید (میرزا نو روز خان لوگری در مسکو) و یا یک شاگرد پیزار دوز "باشی" ارگ سلطنتی می گردید. ... یک کمپودر دوافروشی بازار ناگهان عنوان داکتری و غوند مشر نظامی بخشش می گرفت (زین العابدین خان). یکنفر ملا امام هم نایب اول سنای کشور می شد (حافظ عبدال غفار خان معین مجلس اعیان) و یا یک کاتب کور سواد لوگری به وزارت مختار افغانستان در عراق می رسید (میرزا عبدالرحمن خان پوپل) و بعداً خانواده اش در رأس امور کشور قرار می گرفت.»

با صراحت می توان نوشت زمانی که اسناد کتبی در زمینه وجود نداشته باشد همین تاریخ که خیلی ها سخت گیر است، پیشروی ما پراتیک و عملگرد های چنین اشخاص وابسته به «ضبط احوالات»، «مصونیت ملی»، «اکسا»، «کام»، «خاد»، «ساواک» و «ساوامای» ایران و امثالشان را در سایر کشور ها را قرار می دهد، تا پژوهشگران تاریخ و سیاست با درک همه جانبه از پراتیک چنین اشخاص در روند کار و بار شان به حقایق دست یابند. باید تأکید نمود در شرایط نبود اسناد کتبی با گمان های مقرون به حقیقت که متکی به پراتیک و عملکرد های چنین اشخاص بوده، یعنی «پراتیک معیار حقیقت است» دست یابند.

از آن جایی که محیط بسیار مساعد و متراکم افغان های پناهنده در ایران؛ زمینه بسیار مساعدی برای جلب و جذب نیروی حاضر و آماده و بدون درد سر و دغدغه خاطر نهاد ها و شبکه های جاسوسی (مثل ساواما) در ایران بود؛ اطلاعات رژیم خون و خیانت و شکنجه و دار و منله (کس چه می داند) به چه تعداد از افغان ها - اعم از زن و مرد و پیر و جوان - را مزد بگیر و جاسوس دستگاههای امنیتی خود ساخته و آنان را وادار به فراگیری شیوه های کسب اطلاعات و شگرد های به هم اندازی اقوام و ملیت ها و تخریبات و تبلیغات به نفع خمینی - خامنه ای و نفوذ در ارگان های پایه ئی و حساس و کلیدی افغانستان، مانند ریاست امنیت ملی دولت دست نشانده امپریالیزم جنایتکار و غارتگر امریکا، هردو اتاق پارلمان، وزارت داخله، وزارت دفاع، وزارت خارجه، سفارتخانه ها و سایر نمایندگی های افغانستان در خارج، وزارت معارف و... همانند صبرینا جان ثاقب رسانده است.

پراتیک و عملکرد های این خانم آموزش دیده در ایران ؛ این را در اذهان تداعی می کند که وی رمز و رموز اطلاعات و چگونگی خدمت به منافع ایران و خیانت به کشورش را در دستگاه اطلاعاتی ایران (که زیر نام های مختلف و عوام فریبانه دایر شده است) فرامی گیرد . زمانی که به افغانستان بر می گردد ، با دست های نامرئی به شورای دولت کرسی یا به اصطلاح ایران پرست ها «مجلس» راه پیدا می کند و شماری از عوامل مخفی ایران ، ( به خصوص «شورای نظار» این تشکل ساخته شده KGB) تبلیغ می نمایند که : « صبرینا جان ثاقب به خاطر محبوبیت و تحصیلات بلندش در شورا غرض خدمت کردن به مردم انتخاب شده است »؟!

حال این خانم که چون پدر خادی اش جمال ، ارتباط مستقیم با عامل KGB ، یعنی یونس قانونی دارد ، باری دیگر خودش را ( با تغییر ماسک و مکیاژ ) و نام جدید « آمنه رسولی » [۲] کاندید «شورای شهر کابل» نموده است. خوانندگان شاید لحظاتی با خود بگویند:

« آه که دشمنان رنگارنگ کشور از چه راه ها و کدام کانال ها و با چه طریقه هائی جاسوسان خود را در درون ارگانهای دولت (ع) و (غ) رسانده اند!»

-----  
- [1] صبرینا ثاقب بنت جمال الدین متولد سال ۱۳۵۸ هـ.ش شهر کابل، سکونت اصلی و فعلی شهر کابل؛ تحصیلات:

لیسانس زبان انگلیسی از یکی از پوهنتون های ایران؛

سابقه وظیفوی: [وظیفه ئی]

معاون مؤسسه رایانه [کمپیوتر] افزار ایران، استاد آموزش زبان انگلیسی و کمپیوتر در کابل ، سکرتر جنرال فدراسیون بسکیتبال در کمیته ملی المپیک و مسؤول پروژه صحتی تعلیمی و صنایع دستی PIM ؛ سابقه سیاسی:

آثار:

حالت مدنی:

مجرد.

گرفته شده از سایت « ولسی جرگه ».

- [2] مضمون .... را در سایت آزادگان

[ <http://khorrami75.blogfa.com/post-102.aspx> ] لطفاً مطالعه نمایند.

۱۹ جولای ۲۰۱۶